

وحشی دیده می‌شود و چنین احتمال می‌رود که این درخت در قرون ۱۱ و ۱۰ قبل از میلاد مسیح در چین وجود داشته است.

پس از آنکه این درخت در آسیا تا یونان پراکندگی حاصل نمود، رومیان قدیم آنرا در قرن دوم قبل از میلاد، از یونانیان بدست آوردند و در منطقه وسیعی از کشور خود و دره‌های آلپ، انتشار دادند. درخت بادام در سال ۸۱۲ و ۷۱۶ میلادی به ترتیب به کشورهای فرانسه و آلمان انتقال یافت.

درخت بادام دارای دو وارته مفید زیر است:

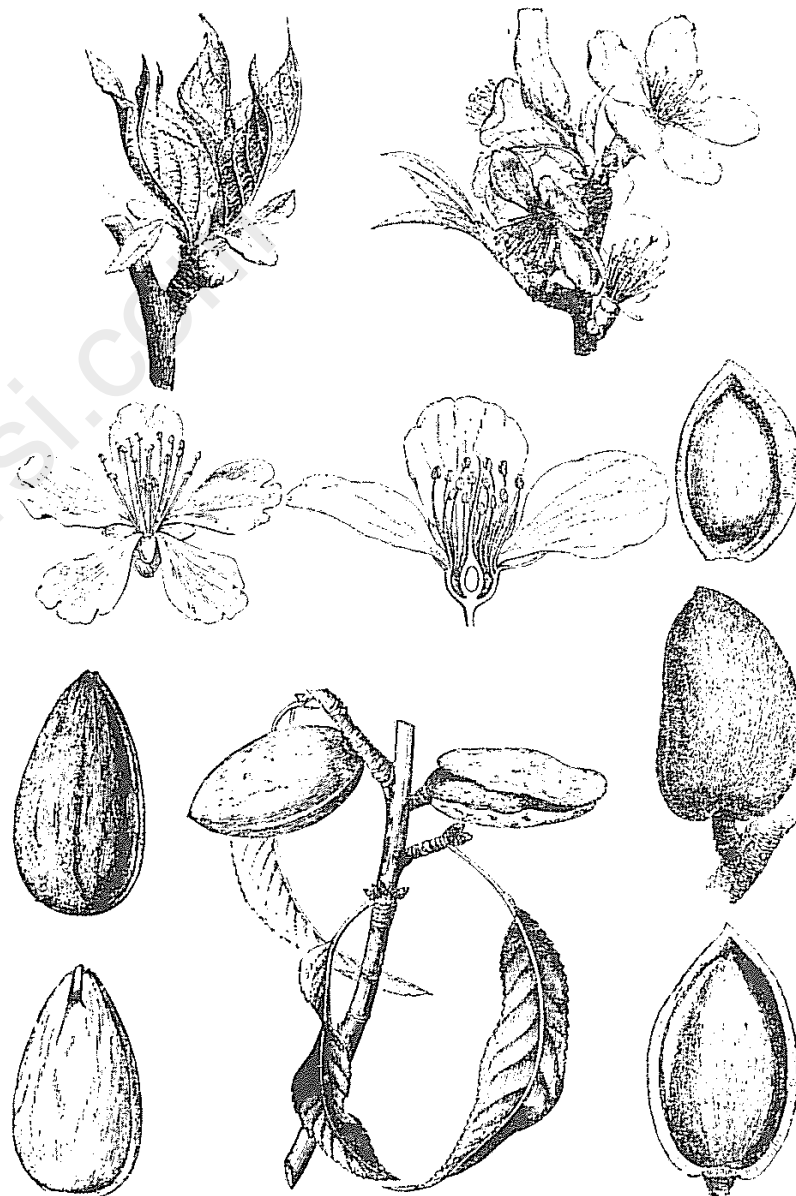
۱- *A. communis* Var. *duki s* = بادام شیرین

۲- *Var. amara* « « = بادام تلخ

درخت بادام، برگهای ساده، منفرد، عاری از استیول، بیضوی دراز، نوک تیز و دندانه‌دار دارد. پهنک برگ آن نیز به وسیله یک دم‌برگ دراز به ساقه ارتباط حاصل می‌کند. گل‌های زیبا و صورتی یا گلی روشن آن چون در اوایل بهار، قبل از پیدایش برگ گیاه ظاهر می‌شود، منظره بسیار قشنگ بدان می‌بخشد. هر گل آن دارای ۵ کاسبرگ، ۵ گلبرگ و ۲ تا ۳ پرچم است. تخمدان آن یک خانه و محتوی ۲ تخمک می‌باشد و پس از لقاح و رسیدن، به میوه‌ای شفت مانند با میان‌برگوشندار و سبز رنگ تبدیل می‌شود. رنگ میوه آن در حالت تازه، سبز و پوشیده از کرک است ولی تدریجاً، قسمت گوشندار میوه یعنی میان‌برگ آن، خشک می‌گردد بطوری که به صورت پوسته ضخیم و خشکی، در اطراف درون بر درسی آید. درون بر بادام به صورت پوست سخت و محکمی، دانه منحصر به فرد آنرا از خارج فرا می‌گیرد. علت وجود یک دانه در داخل درون بر آن است که از دو تخمک درون تخمدان، منحصرأ یکی از آنها ویندرت دو تخمک (بادام فیلیپین) به نمو خود ادامه می‌دهد.

مغز بادام، بیضی شکل، مسطح و در یکی از دو انتها نوک تیز است. انتهای دیگر آن وضع مدور دارد. درازای آن ۲ تا ۳ سانتیمتر، پهنایش ۱٫۵ تا ۲ و ضخامتش معادل یک سانتیمتر است. مغز بادام را پوسته‌ای به رنگ قهوه‌ای حنائی از خارج پوشانیده است. این پوسته اگر تازه باشد سهولت از آن جدا می‌شود ولی در دانه‌های خشک، جدا شدن آن باید به کمک آب گرم صورت گیرد زیرا بستنی به لپه‌های درونی پیوستگی دارد.

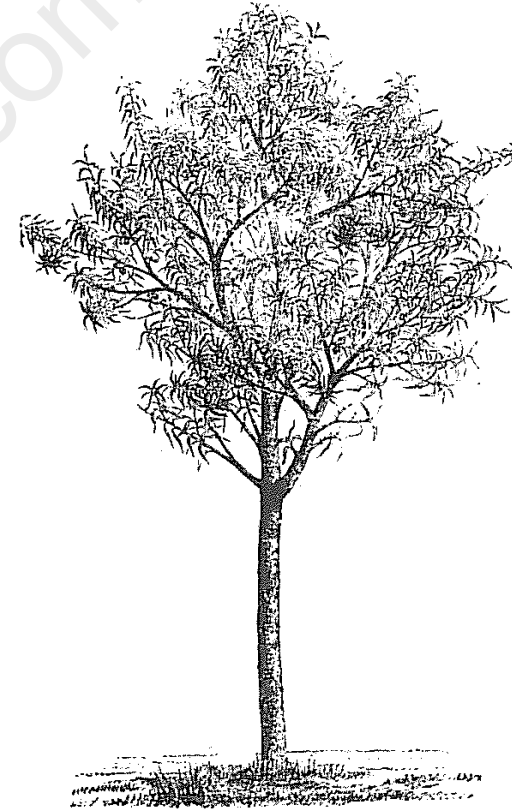
لپه‌های درون پوشش مذکور، درشت و به رنگ تقریباً سفید یا سفید کرم، شفاف و روغن‌دار است. در نوع بادام شیرین، مغز دانه، درشت تر از بادام تلخ و رنگ پوشش آن روشن تر است. مغز بادام شیرین، طعم ملایم دارد و سهولت از بادام تلخ، تشخیص داده می‌شود. با سائیدن بادام شیرین در آب، امولسیون شیری رنگ بدست می‌آید.



ش ۷۰ - *Amygdalus communis*: سرشاخه مولد برگ، شاخه گلدار، میوه کامل و باز شده، شاخه میوه‌دار، دانه (اندازه‌های طبیعی)، گل و برش قائم آن (Baillon)

به مغز بادام، معمولاً مغز زردآلو، گوجه و مخصوصاً هلو به عنوان تقلب افزوده می‌شود. ولی در هر حال از روی اندازه مغز بادام و طعم و مشخصات دیگر آن که ذکر شد، این تقلب سهولت تشخیص داده می‌شود.

مغز هلو، پوسته‌ای به رنگ تیره‌تر از بادام و طعمی بسیار تلخ دارد. بعلاوه چنین آن غالباً به رنگ سبز است.



ش ۷۶ - *Amygdalus communis* منظره درخت (Bail).

مغز بادام بر اثر کهنگی، تغییر رنگ حاصل می‌کند و تند می‌شود. پرورش درخت بادام در زمینهای آهکی کمی خشک بهتر صورت می‌گیرد. قسمت مورد استفاده درخت بادام نیز گل، پوست میوه و مغز دانه‌های نوع شیرین و تلخ آن است.

ترکیبات شیمیائی - بادام شیرین دارای ۰ تا ۵ درصد روغن (در بادام تلخ ۰ تا ۵ درصد)، ۲۳ تا ۲۵ درصد مواد آلبومینوئیدی، مخلوطی از فرمانهای تشکیل دهنده اسولسین، قند، صغ، موسیلاژ، اسلاح معدنی (۳ تا ۴ درصد) و غیره است.

در بادام تلخ، مقدار درصد روغن کمتر ولی اسولسین زیادتر است بعلاوه دارای هتروزید مخصوصی به نام آمیگدالوزید. به مقدار ۱ تا ۰٫۳ درصد می‌باشد. این هتروزید در مجاورت آب و تحت اثر اسولسین، هیدرولیز گردیده، از آن ۲ ملکول گلوکز، اسید سیانیدریک و آلدئید بنزوئیک حاصل می‌شود.

روغن بادام - برای تهیه این روغن، مغز بادام را پس از خشک کردن و عاری نمودن از گرد و غبار، در آسیا خرد می‌کنند و پس از آنکه به صورت خمیر درآمد، در دستگاههای فشار قرار داده روغن آنرا استخراج می‌نمایند.

روغن فشار اول، تنها روغن افی سینال و مورد مصرف است. از باقیمانده فشار اول، به کمک حرارت مجدداً روغنی بدست می‌آید که به **روغن فشار دوم** موسوم می‌باشد.

معمولاً به جای مغز بادام، از مغز زردآلو یا هلو نیز روغن استخراج می‌شود. در تهیه روغن بادام حتماً باید این نکته رعایت شود که اگر روغن از مغز بادام تلخ و یا مغز هلو و زردآلو استخراج می‌گردد نباید آب بکار رود زیرا افزون آب، موجب آن می‌شود که هتروزید دانه، تحت اثر فرمان مخصوص، هیدرولیز حاصل کند و در نتیجه روغن حاصل، دارای اسید سیانیدریک و آلدئید بنزوئیک شود.

مغز زردآلو دارای ۰ تا ۵۱ درصد و مغز هلو دارای ۳۲ تا ۵۲ درصد روغن قابل استخراج است.

تقلبات - به روغن بادام بطور تقلب روغن‌های مغز هسته زردآلو، هلو، دانه پنبه، کنجد و بادام زمینی افزوده می‌شود. تشخیص تقلبات دو نوع روغن اول یعنی روغن مغز زردآلو و هلو که غالباً رخ می‌دهد به شرح زیر میسر می‌باشد:

به ۵ میلی لیتر روغن بادام، یک میلی لیتر از مخلوطی که به نسبت مساوی (وزنی) از اسید سولفوریک، اسید نیتریک دوددار (fumant) و آب به تازگی و با رعایت احتیاط کامل تهیه شده و سرد تدریجاً اضافه کرده محلول حاصل را به شدت به مدت یک دقیقه تکان می‌دهند. با این عمل، مخلوطی برنگ مایل به سفید حاصل می‌شود که اگر بعد از ۱ دقیقه رنگ آن صورتی گردیده، نشانه وجود روغن مغز هسته زردآلو یا هلو در آن است.

روغن بادام حالت روان، رنگ زرد روشن و طعم ملایم دارد. در حالت تازه نیز فاقد بو می‌باشد. روغن بادام در کلرفرم، سولفور و کربن، اتر اتیلیک، اتر دیپترول و بنزن محلول بوده قابلیت انحلال آن در الکل کم است.

روغن بادام دارای گلیسریدهای اسیدهای چرب، مانند اسید اولئیک (قسمت اعظم آن)، لینولئیک، پالمیتیک، میریستیک و همچنین یک فیتوسترول است. هر میلی لیتر آن به وزن ۹۱۰. تا ۹۱۵. گرم در گرمای ۲۰ درجه می باشد.

در کدکس ۱۹۳۷، خواص زیر برای روغن بادام ذکر شده است:

وزن مخصوص در گرمای ۲۰ درجه	۹۱۳. تا ۹۲۰. ر.
اندیس صابونی شدن	۱۹۰ تا ۱۹۴
اندیس ید	۹۲ تا ۹۹
اسید یته برحسب اسید اولئیک	حداکثر ۵۰. ر. درصد

روغن بادام باید در شیشه های مملو از آن و کاملاً در بسته نگهداری شود.

اسانس بادام تلخ - برای تهیه این اسانس، باقیمانده دستگاه فشار را که روغن آن استخراج گردیده است، مدتی در آب خیس کرده و سپس تقطیر می نمایند. و این عمل تقطیر را پس از آنکه هیدرات کلسیم و سولفات فرو در آن اثر داده شد مجدداً تکرار می کنند تا عاری از اسید سیانیدریک شود. به جای بادام تلخ، از مغز زردآلو و هلو نیز غالباً برای تهیه آن استفاده بعمل می آورند.

اسانس بادام تلخ، مایعی زلال و بیرنگ است ولی بر اثر کهنه شدن، به رنگ مایل به زرد در می آید. بوی آن قوی و طعمش سوزاننده، کمی تلخ (در صورت دارا بودن اسید سیانیدریک آزاد) و بسیار سمی است.

اسانس بادام تلخ، سنگین تر از آب و به وزن مخصوص ۱.۰۴ تا ۱.۰۶ در گرمای ۱۵ درجه است. در آب به مقدار کم حل می شود ولی در الکل و اتر به هر نسبتی قابلیت اختلاط دارد. در گرمای ۱۸۰ درجه می جوشد.

اسانس بادام تلخ شامل الدئید بنزوئیک و به مقدار کم اسید سیانیدریک (اگر یک بار تقطیر شده باشد) است. این اسید با الدئید بنزوئیک، به صورت بنزالدئید سیانیدریک $C_6H_5 - CHOH - CN$ در می آید. اسانس بادام تلخ علاوه بر مواد مذکور دارای ماده ای به نام Phenoxycetonitrile نیز می باشد (Merck Index N. 6584).

اسانس بادام تلخ به سهولت با اکسیژن هوا ترکیب می شود از این جهت، شیشه محتوی آن باید کاملاً از اسانس پر شده باشد تا با اکسیژن هوای درون ظرف، ترکیب حاصل نکند زیرا در صورت مجاورت با هوا، اکسیژن جذب کرده اسید بنزوئیک متبلور رسوب می دهد. شیشه محتوی اسانس نیز باید دور از نور و در جای سرد نگهداری شود.

به اسانس بادام تلخ طبیعی، اگر اسید سولفوریک اثر داده شود، رنگ قهوه ای مایل به قرمز حاصل می شود. این محلول، اگر تحت اثر الکل قرار گیرد، تقریباً به طور کامل بیرنگ می شود.

آمونیاک آنرا به هیدروبنزامید Hydrobenzamide تبدیل می نماید.

از اسانس بادام تلخ سابقاً برای رفع خارش به صورت تأثیر موضعی و با رعایت احتیاط استفاده بعمل می آمده است.

خواص درمانی - بادام شیرین و تلخ و روغن آنها، همچنین گل و قسمتهای دیگر گیاهان مولد آنها، (وارثه ها) هر یک خواصی به شرح زیر دارا می باشند:

شکوفه بادام (گل بادام) - گل درخت بادام، بوی مطبوع ولی طعم تلخ دارد. از نظر درمانی نیز دارای اثر مسهلی ملایم است. ضمناً برای آن اثر ضد کرم نیز قائل می باشند. از دم کرده شکوفه درخت بادام شیرین، سابقاً برای موارد مذکور، مخصوصاً در طبابت های اطفال، استفاده بعمل می آوردند و هنوز هم این عمل در بعضی نواحی معمول می باشد.

دم کرده ۳ گرم برگ و ۱۰ گرم گل درخت بادام در یک لیتر آب (مدت دم کردن ۱۰ دقیقه) در رفع سرفه های پیاپی (سیاه سرفه)، به مقدار ۵ فنجان کوچک در فاصله غذاها، و همچنین در درمان نارسانی اعمال کبد به مقدار یک فنجان قبل از هر غذا، اثر درمانی ظاهر می کند.

I - بادام شیرین

پوست میوه - جوشانده ۵ گرم پوست میوه بادام شیرین در یک لیتر آب، تیزان خوبی جهت رفع درد گلو، سرفه، سرفه های پیاپی در سیاه سرفه و التهاب مجاری تنفسی است. عده ای از پزشکان نیز معتقدند که تیزان مذکور، منحصراً عمل تسکین دهنده دارد ولی بیماری را معالجه نمی کند.

برگ - برگ درخت بادام شیرین، اثر آرام کننده و صفرا بر (Cholagogue) دارد و چون اعمال کبد را تقویت می کند از این نظر مصرف آن در نارسانی اعمال کبد توصیه شده است. مخلوط آن با پوست ثانوی گیاه، اثر تب بر، مدر و حتی ضد کرم دارد. جوشانده آن اثر مسهلی ظاهر می کند ولی نباید به مقدار زیاد بکار رود.

مغز بادام شیرین - مغز بادام شیرین، به حالت خشک شده و به صورت خام یا بوداده مصرف می شود علاوه در تهیه بعضی از اغذیه و شیرینی مورد استفاده قرار می گیرد. مغز بادام شیرین، دیر هضم است و حتی نانهای قندی و اغذیه دارای آن نباید به کسانی که معده ضعیف و حساس دارند داده شود. در مصرف بادام شیرین نباید زیاده روی نمود و یعنی باید به تعداد ۶ تا ۱۵ عدد برحسب سن مصرف کرد.

از بادام شیرین نوعی پوسیون اسولسیونه ، با افزودن آب بهار نارنج به شرح زیر تهیه می نمایند:

بادام شیرین	۳۰ گرم
» تلخ	۲ »
آب بهار نارنج	۱۰ »
کتیرا	۰٫۵ »
قند	۳۰ »
آب منظر	۱۲۰ »

باسائیدن مخلوط مواد مذکور، پوسیونی یا بوی مطبوع به نام Looch blanc تهیه می شود که از آن برای مخفی ساختن طعم بعضی از داروهای ناسطبوع استفاده بعمل می آورند. پوسیون مذکور با کالومل ناسازگاری دارد زیرا مقدار کم اسیدسیانیدریک آزاد شده، ایجاد سیانور دوسرکور در آن می نماید.

شیر بادام - شیر بادام محلولی است که از سائیدن ۵۰ گرم بادام با هموزن خود قند و باز کردن آنها در یک لیتر آب مقطر بدست می آید.

شیر بادام ، اثر نرم کننده و آرام کننده دارد ولی خواص آن موقعی ظاهر می شود که به مقدار زیاد مصرف گردد. مصرف مقادیر زیاد آن نیز چنانکه قبلاً ذکر کردیم برای معده مناسب نیست. بعضی از دانشمندان ، مصرف آنرا در التهاب های مزمن احشاء، پس از مخلوط کردن شیر بادام با جوشانده ای که از گوشت جوجه و کاهو بدست می آید ، توصیه نموده اند. عده ای دیگر نیز برعکس آنرا به صورت مخلوط با کمی نترات پتاسیم در رفع التهاب مجاری ادرار مؤثر دانسته اند (Cazin). شیر بادام در رفع سرفه در سرفه های بیابی و سیاه سرفه و همچنین تقویت اطفال در دوره نقاهت مؤثر است.

مصرف شیر بادام ، همچنین در برونکوپنومونی و بیماریهای نزله ای حاد ، به صورت مخلوط با شربت ختمی ، بنفشه و کمی کپسول خشخاش توصیه شده است.

شیر بادام می تواند مکمل شیر مادران شیرده شود. برای این کار ، می توان از محلول حاصل از مواد زیر استفاده به عمل آورد:

مغز بادام	۵۰ گرم
عسل	۵۰ »
آب	۱۰۰۰ »

ابتدا بادام شیرین را به مدت چند دقیقه در آب نیم گرم قراری دهند، سپس آنرا پوست کنده در مقدار کمی آب، به ملایمت می ساینند. به طوری که به حالت خمیری درآید بعداً خمیر حاصل را روی بقیه آب می ریزند و تدریجاً عسل به آن می افزایند تا به خوبی حل شود. خاتماً مخلوط را از پارچه نازک (ململ) می گذرانند.

روغن بادام شیرین - روغن بادام شیرین اثر ملین دارد. اسولسیون آن، اثر خاص بر روی روده بزرگ و رفع التهاب آن ظاهر می نماید.

روغن بادام شیرین، از روغن های بی زبانی است که بعلت دارا بودن خواص نرم کننده و ضد التهاب، مصارف زیاد در تهیه انواع پمادها، کرمها (Crème) و محلول های روغنی داروئی و بهداشتی، بصورت مالیدن بر روی پوست دارد.

مصرف مخلوط روغن بادام شیرین با هموزن آن عسل و یک زرده تخم مرغ که مجموعاً به صورت مخلوطی کاملاً یکنواخت درآمده و خاتماً ، جوشانده گل ختمی یا شقایق بدان افزوده باشند، در رفع بیماریهای سینه به مقدار یک قاشق قهوه خوری در فواصل معین مفید ذکر گردیده است (Gazin).

در استعمال خارج، روغن بادام شیرین اثر نرم کننده و التیام دهنده دارد و از آن، جهت رفع التهابهای سطحی بدن ، سوختگی ها و در باد سرخ استفاده بعمل می آید. روغن بادام - شیرین اگر به تمام سطح بدن کودک مبتلا به سرخک و مضمحلک مالیده شود، خارش را در آنان تسکین می دهد (Scutteten در سال ۱۸۵۹).

در مبتلایان به ناراحتی های پوستی مانند آگزبای خشک، اثر تسکین دهنده به صورت مالیدن بر روی عضو ، ظاهر می نماید.

با بررسی های جدیدی که صورت گرفت از عصاره بادام شیرین که بدان اکسیژن وارد نموده باشند (hyperoxygation) نوعی پماد به بازارهای داروئی عرضه شده که فاقد هر نوع ماده شیمیائی یا کورتیکوها و یا ساده بی حس کننده موضعی است. این پماد، التهاب ناحیه مقعد و تورم برجستگی های اطراف آنرا (Anite) از بین می برد و بعلاوه خارش و ترک چین های این ناحیه را که حالت بسیار دردناک برای بیمار بوجود می آورد التیام می دهد با آنکه فاقد هر نوع ماده بی حس کننده موضعی است معهداً خارش و ناراحتی های بواسیر را تسکین می دهد (1).

صوَر داروئی-روغن بادام شیرین به مقدار ۱۵ تا ۶۰ گرم، به عنوان سهیل ملایم مصرف می‌شود. تنقیه آن با مقدار ۱۰۰ تا ۲۰۰ گرم صورت می‌گیرد.

از روغن بادام شیرین مخلوط با مواد دیگر، به صورت مختلف زیر استفاده بعمل می‌آورند:

۱- نسخه برای رفع شقاق و ترک نوک پستان:

آب آهک	۱۸ گرم
روغن بادام شیرین	۱۲ »
عصاره تریاک	۱۰۰ .»

از مخلوط مواد فوق محلولی بدست می‌آید که به صورت مالیدن به نوک پستان، جهت رفع ترک آن می‌توان استفاده بعمل آورد.

۲- نسخه برای رفع ترک و شقاق پستان و دست:

بور دو کاکائو	۷ گرم
روغن بادام شیرین	۵ »
اکسید دوزنگ	۱۰۰ .»
برات دوسود	۱۰۰ .»
اسانس برگاموت	۸ قطره

از مخلوط کردن کامل مواد فوق، نوعی ماده روغنی بدست می‌آید که به صورت مالیدن بر روی پوست یا سینه، جهت رفع ترک آن استفاده می‌گردد.

روغن بادام، دفع سنگهای ادراری را تسهیل می‌کند. برای این کار ۳ قاشق سوپخوری از مخلوط بادام شیرین و روغن گردو را بعد از هر غذا همراه با جوشانده‌ای که از جوشاندن ۲ گرم شیرین بیان و یک مشت کاه (کاه‌جو) در یک ظرف آب، تهیه شده مصرف می‌نمایند. با مصرف آن، اگر سنگ کلیه بزرگ نباشد بطوریکه بتواند از حالب عبور کند، دفع آن تسهیل می‌شود. انجام چنین عملی در دفع سنگ کلیه مبتلایان به این بیماری گزارش شده است.

روغن بادام شیرین در فرسول عده‌ای از فرآورده‌های داروئی و زیبایی (به علت بی‌زیان بودن) وارد می‌گردد.

II - بادام تلخ

بادام تلخ دارای گلوکزید مولد اسید سیانیدریک است. از این نظر مصرف آن در نهایت دقت باید صورت گیرد.

برگه و پوست میوه بادام تلخ از نظر کلی دارای مصارف مختلفی شید بادام شیرین است.

مغز بادام تلخ، در تهیه بعضی شربت‌ها، اسولسیونها و روغن بادام بکار می‌رود. از بادام تلخ با رعایت احتیاط می‌توان در سرفه‌های منشأ عصبی، سیاه‌سرفه (Schubert)، گریپ، عوارض آسم، ذات‌الجنب، ترشحات مهبلی (Cazin)، ابتلا به کرم کدو، درمان دانه‌های جلدی دردناک (P. Frana) و غیره استفاده بعمل آورد.

در استعمال خارج، له شده مغز بادام تلخ که کمی آب بدن افزوده باشند، بصورت ضماد در تسکین دردعای عصبی، قولنج‌های کبدی و کلیوی، سردردعای یکطرفه (میگرن) و دردهای رماتیسمی اثر مفید ظاهری کند (Cazin).

خمیر بادام تلخ، به جای صابون می‌تواند مورد استفاده مبتلایان به آگزما قرار گیرد. در رفع لکه‌های جلدی (Taches de rousseur)، کک‌سک واز بین بردن بوی بدپا و زیر بغل نیز مؤثر است.

اسولسیون آن در رفع خارش‌های جلدی منشأ سودا و خارش‌های دستگاه تناسلی زن (Cazin) اثر قاطع دارد.

صوَر داروئی- از بادام تلخ باید همیشه به مقدار کم مخصوصاً در مداوای کودکان، استفاده بعمل آورد.

از بادام تلخ مخلوط با بادام شیرین به صورت زیر استفاده بعمل می‌آورند:

بادام شیرین	۴ تا ۶ گرم
بادام تلخ	۴ تا ۶ »
قند	۶۰ »
آب	۵۰۰ »

از سائیدن مغز دو نوع بادام مذکور باقند و مخلوط کردن آنها با آب، نوعی شیر بادام بدست می‌آید که در طی ۴ ساعت باید مصرف گردد.

از اسانس بادام تلخ عاری از اسید سیانیدریک (۲ بار تقطیر یافته) سابقاً بمقدار بسیار کم در مواد غذایی استفاده می‌نموده‌اند ولی این عمل امروزه ممنوع شده است.

درخت بادام در نقاط مختلف ایران مانند قزوین و نواحی دیگر پرورش می‌یابد. در جنگل‌های ارسباران و اراک نیز به حالت خودرو دیده می‌شود.

Cydonia oblonga Miller

C. vulgaris Pers. ، Pyrus Cydonia L.

فرانسه : Quittbaum ؛ آلمانی Coudonnier ، Coigner ، C. commun ، Cognassier ؛

انگلیسی : Quince (1) ایتالیایی: Cotogno ، Pomo cotogno عربی: سفرجل (Safargal)

فارسی : درخت به

درخت کوچکی است که در غالب نواحی اروپا ، مدیترانه، افریقای شمالی و آسیا پرورش می‌یابد و چون به حالت وحشی در ترکستان ، ایران، قفقاز و جنوب شرقی عربستان می‌روید از این جهت منشأ آن به نواحی اخیر مخصوصاً ایران و قفقاز نسبت داده می‌شود. ساقه درخت به، رنگ سایل به کبود دارد. برگهای آن ساده باکناره ناهموار، پوشیده از تار و دارای ظاهری غبارآلود است. گل‌های آن درشت، به رنگ سفید یا سفید سایل به صورتی و میوه‌اش درشت، پوشیده از کرک و محتوی دانه‌های لعابدار به تعداد ۱۲ دانه در هر یک از خانه‌هاست. رنگ میوه آن نیز پس از رسیدن، زرد می‌گردد. بوی میوه آن مطبوع و طعمش شیرین، یا کمی ترش و قابض است.

قسمت مورد استفاده درخت به، میوه، دانه و برگ آن است.

ترکیبات شیمیائی- به، بطور متوسط دارای ۱۰ درصد مواد قندی (مخصوصاً لولز)، پکتین، اسید مالیک، نوعی اثر بابوی قوی به مقدار ۰.۹ ر. در هر کیلوگرم و تانن است. به، ویتامین‌های A، B، C، PP و پرو ویتامین A دارد.

مغز دانه به، دارای آمیگدالین (به مقدار ۱۲ تا ۱۴ درصد)، اسولسین، پروتئین‌های مختلف و ۰ تا ۱۰ درصد ماده روغنی است که در صورت استخراج، حالت روان، رنگ زرد، طعم مطبوع و بوی روغن بادام را دارد.

وزن مخصوص روغن دانه به در گرمای ۱۰ درجه بین ۰.۹۱۹ و ۰.۹۲۴، اندیس صابونی آن در گرمای ۲۰ درجه معادل ۱۱۴۷۲۹ و اندیس ید آن بین ۱۸۰ و ۱۸۸ است. از این روغن می‌توان برای مصارف تغذیه و در صابون سازی استفاده کرد.

پوشش خارجی دانه به، دارای ۲۰ تا ۲۲ درصد موسیلاژ محلول در آب است. موسیلاژ آن در آب، نوعی محلول کلوئیدی غلیظ بوجود می‌آورد که از آن در آहार پارچه‌ها و

۱- این درخت در کتب مختلف بتفاوت به ناسهای Quince tree و Quince آمده است. در این مورد باید گفت که حتی بعضی درختان میوه نیز به زبانها مختلف، غالباً به نام میوه آنها خوانده می‌شوند.

تهیه لعاب برای آرایش موی سر استفاده بعمل می‌آورند. مقدار موسیلاژ پوسته دانه به به اندازه‌ای است که با وارد کردن ۱ گرم دانه در یک فنجان کوچک آب، محلولی با غلظت شبیه به سفیده تخم مرغ بدست می‌آید. موسیلاژ دانه به، سیدونین Cydonine نامیده می‌شود. (Merck Index , N. 7842).



ش ۷۷ - Cydonia oblonga : سرشاخه گلدار (اندازه طبیعی) - میوه

موسیلاژ یا لعاب دانه به، علاوه بر آنچه که ذکر شد، به مصارف معلق نگهداشتن مواد در محلول‌های حا و همچنین پایداری و تثبیت آنها می‌رسد. برگ درخت به نیز دارای نوعی گلوکزید مولد اسیدسیانیدریک به مقدار نسبتاً کم است.

خواص درمانی - به به صورت مختلف کمیوت، ژله، شربت و خیسانده یا جوشانده در آب، به مصارف درمانی می رسد ضمناً به حالت خام نیز خورده می شود. به دارای اثر مقوی اعمال معده و متوقف کننده اسهال های ساده و دیسانتری است. در ورم حاد روده ها، اختلاط خونی، خونریزیهای رحمی و بواسیری و ترشحات مهبلی اثر مفید ظاهر می نماید. خاصیت رفع استفراغ و کاهش دهنده ترشحات بزاق دارد.

بررسی های مختلف نشان داده است که بهترین طریق برای رساندن تانن به سلولین، تجویز به برای آنهاست (Castaigne) در سال ۱۹۱۲). از اختصاصات به آن است که ضمن تقویت اعمال دستگاه هضم، هیچ گونه ناراحتی برای آن بوجود نمی آورد. در موارد اسهال و دیسانتری اگر به جوشانده به، کمی دانه آن افزوده شود، اثر نرم کننده نیز به علت دارا بودن موسیلاژ، ظاهر می شود.

یک عدد به سالم را به قطعاتی نازک تقسیم کرده و آنرا در یک لیتر آب می جوشانند به طوریکه حجم آب به نصف تقلیل یابد سپس صاف می کنند. به این محلول ۵ گرم قند می افزایند. مصرف آن در رفع ورم حاد روده و به علت داشتن تانن در سل ریوی و همچنین در دیرهمضمی موثر واقع می شود. محلول مذکور را در استعمال خارج به صورت تزریقات مهبلی جهت درمان افتادگی رحم (زهدان) و به صورت تنقیه در افتادگی رکتوم (آخرین قسمت روده بزرگ) می توان به کار برد.

دانه به، در رفع التهاب های داخلی مخاطها و رفع سرفه بکار می رود. در استعمال خارج، اثر نرم کننده دارد بطوری که بکار بردن آن در سوختگی ها، سرمازدگی، شقاق و ترک پوست بدن مخصوصاً درمان قسمت های حساس پوست مانند نوک پستان و لب، و در ناراحتی های بواسیر و غیره اثر مفید ظاهر می سازد (Dr. H. Leclerc).

در استعمال خارج، خیسانده یک شست دانه کوبیده به در نیم لیتر آب نیم گرم بصورت تأثیر دادن بر روی عضو، در درمان سرمازدگی، شکاف و ترک پستان، سوختگی ها و در تحریکات جلدی مختلف به علت داشتن موسیلاژ (لعاب) موثر می باشد.

پوست دانه به را نباید در مصارف داخلی به صورت له شده، از مغز جدا کرد زیرا در مجاورت آب ایجاد اسید سیانیدریک نموده سمیت فراهم می آورد.

برگ درخت به، به علت دارا بودن مقدار کمی گلوکزید مولد اسید سیانیدریک، اثر آرام کننده و مسکن دارد و معمولاً به صورت دم کرده بکار می رود. به دم کرده مذکور اگر کمی عسل افزوده سپس آنرا با بهار نارنج معطر سازند، اثر بسیار مفید در سیاه سرفه و بی خوابی ها ظاهر می سازد.

جوشانده برگ درخت به در استعمال خارج، جهت سرطوب نگهداشتن چشم در ورم ملتحمه و شستشوی زخم های بدحالت و التیام آنها بکار می رود.

صور دارویی - شیره رقیق شده به، مخلوط در عسل یا قند به عنوان قابض و تیزان حاصل از جوشاندن ۴ تا ۵ گرم قطعات عاری از دانه آن، غالباً در طبابت مصرف می شود. از به، شراب و شربت نیز تهیه می گردد.

شراب به، با وارد کردن ۴ تا ۵ گرم از قطعات قسمت گوشتدار به در یک لیتر شراب تهیه می شود. این شراب اثر مقوی دارد و در استعمال خارج نیز به علت دارا بودن تانن، به صورت غرغره، می تواند مورد استفاده قرار گیرد.

شربت به را از تغلیظ ۵ تا ۱۰ گرم شیره به بطوری که بغلظت شربت درآید و افزودن هم وزن آن قند، تهیه می نمایند.

دانه به، به صورت جوشانده ۱۰ تا ۳۰ در هزار بکار می رود. از برگ درخت به نیز جوشانده ۳۰ در هزار برای مصارف داخلی و ۱۰۰ تا ۱۵۰ در هزار به صورت لوسیون برای استعمال خارج تهیه می نمایند.

دم کرده ۳۰ در هزار گل ویا ۵۰ در هزار برگ، در تسکین سرفه کودکان مبتلا به سیاه سرفه موثر است. مخلوط آن با کمی آب بهار نارنج، اثر خواب آور ملایم نیز ظاهر می کند.

بهداشت پوست صورت

برای بهداشت پوست صورت و پیش گیری از چین و چروک، مقداری پوست به را به مدت ۱۵ روز در عرق می خیسانند و پس از صاف کردن به صورت لوسیون بر روی پوست صورت به ملایمت اثر می دهند و یا آنکه به همان مدت ولی در آبی که به مقدار کم، الکل بدان افزوده باشند می خیسانند و سپس بر روی پوست صورت و گردن اثر می دهند.

درخت به در ایران پرورش می یابد، به حالت وحشی نیز در نواحی مختلف شمال ایران مانند گرگان، گیلان، آذربایجان و غیره می روید.

* *Dryas octopetala* L.

فرانسه : Thé Suisse ، Thé des Alpes ، Chênette ، Dryade

انگلیسی : White Dryas ، Wild betony ، Mountain aven

آلمانی : Echte silberwurz ایتالیایی : Erba del cervio عربی : اریق جبلی

گیاهی کوچک، بارتفاع کم و دارای ریشه ضخیم، دراز، سخت و چوبی است. از ساقه های خوابیده آن که در سطح زمین گسترده اند، شاخه هایی تولید می شود که ارتفاعی در حدود ۱۰ سانتیمتر

دارند. سطح محل رویش این گیاه نیز سهولت مانند فرشی زیبا، پر از گل‌های سفید رنگ درمی‌آید. عمر آن به ۵۰ تا ۱۰۰ سال وحتى بیشتر می‌رسد. برگ‌های آن ظاهری بیضوی با کناره دندان‌دار (دندان‌ها مدور)، حالت چرمی، همیشه سبز، خشن و سفوفش به برگ‌های موازی در طرفین رگبرگ اصلی دارد. سطح فوقانی پهنک برگ آن، برنگ سبز تیره و سطح تحتانی آنها نقره‌ای است. از وسط برگ‌های واقع در سطح زمین، دمگل دراز و منتهی به گل درشت و زیبا، به قطر



ش ۷۸ - *Dryas octopetala*: گیاه کامل (اندازه تقریباً طبیعی)

۵ سانتیمتر وحتى بیشتر، خارج می‌شود که دارای ۸ گلبرگ است. میوه‌های جدا از هم آن، هریک در انتها به یک خامه دراز و پوشیده از تارهای ظریف ابریشمی ختم می‌شوند بطوریکه پس از پُرسیده شدن و از بین رفتن جام گل، مجموعه‌ای از میله‌های پرمانند در قسمت داخلی کاسه و در راس دمگل دراز مشاهده می‌گردد.

از وجود این گیاه تا سالهای ۱۵۳۶ تا ۱۵۵۵ میلادی اطلاعی در دست نبود و نخستین بار

هیئت‌های اکتشافی که به قله‌های آلپ و کوهستانهای کشور سوئیس مسافرت کرده بودند آنرا در ارتفاعات بین ۱۲۰۰ و ۲۵۰۰ متری دشت‌های این مناطق مشاهده کردند. این گیاه در اراضی حاصل از خرده سنگها، مخصوصاً اگر جنس زمین آهکی باشد زندگی می‌کند. در قله‌های ژورا، پیرنه (قسمتهای مرکزی) پراکنده‌گی دارد.

خواص درسانی - دارای اثر قابض مانند اعضای تعداد زیادی از گیاهان تیره گل‌سرخ نظیر تمشک‌ها، *Potentilla* ها، توت فرنگی و غیره است. در نواحی محل رویش از آن جهت درمان اسهال و دیسانتری‌ها استفاده به عمل می‌آورند. برای آن، اثر مقوی و هضم‌کننده غذا قائل‌اند و بهمین جهت دم کرده‌هایی مانند چای از برگ آن تهیه می‌کنند. در ایران نمی‌روید.

Chaenomeles japonica (Thunb.) Lindl.

(۱) *Pirus japonica* Thunb. ، *Cydonia japonica* Pers.

فرانسه : Cognassier du Japon انگلیسی: Japan quince آلمانی: Japanische quitte

فارسی : به ژاپنی

درختچه‌ای زیبا، خاردار، به ارتفاع ۱ تا ۳ متر و دارای برگ‌های بیضوی و نوک تیز با دندان‌های ریز است. در قاعده دم‌برگ برگ‌های نسبتاً پایای آن، ۲ زائده نسبتاً کوچک، پهن و مدور ظاهر می‌شود که برگ مانند واز علائم مشخصه این درختچه است. گل‌های آن در آغاز بهار قبل از پیدایش برگ‌ها، به حالت مجتمع و به تعداد ۲-۴ تائی ظاهر می‌شود. رنگ گلها، سرخ و گاهی گلی یا سفید و دارای بوئی شبیه بوی بنفشه است. میوه‌ای معطر، بیضوی و به ابعاد یک سیب کوچک (برحسب شرایط محیط زندگی) دارد که در تمام طول تابستان بر روی شاخه‌ها باقی‌می‌ماند و در داخل آن دانه‌های سیاه‌رنگ جای‌دارند. این درختچه سهولت از طریق قلمه زدن تکثیر می‌یابد. بومی کشور ژاپن است و از آنجا در سال ۱۷۹۶ میلادی به فرانسه آورده شد و سپس به نواحی دیگر انتقال یافت. پرورش آن امروزه به علت گل‌های زیبایی که دارد در غالب نواحی مساعد معمول است که به صورت یک درختچه زینتی یا برای ایجاد دیواره سبز با گل‌های زیبا، در حاشیه باغها پرورش می‌یابد ضمناً از مشخصات آن اینستکه سهولت حالت انبوه پیدا می‌کند وحتى در بعضی نواحی به صورت بومی درمی‌آید. نام *Chaenomeles* از ۲ کلمه لاتین یعنی *Chainein* به معنای شکافتن و *málea* به معنای درخت سیب،

۱- جنس *Pirus* ، به تفاوت به صورت *Pyrus* نیز در کتب علمی وارد شده است.

مشتق شده است و این نام را Lindley به پیروی از Thunberg که تصور می نمود میوه های گیاه پس از رسیدن ، ه شکاف پیدا می کند برای گیاه انتخاب کرد.

مغز دانه به ژاپنی دارای ۱۰ تا ۲ درصد ماده روغنی است و روغن حاصل از آن نیز حالت روان، رنگ سایل به زرد و طعم مطبوع دارد. وزن مخصوص آن در گرمای ۱۰ درجه، برابر ۹۲۸ ر. ، اندیس صابونی آن ۱۹۰ و اندیس ید آن ۱۱۱ است.

خواص درمانی-میوه کاسلا رسیده این درختچه، خوراکی و ترش مزه است. از آن نوعی ژله با اثر قابض تهیه می کنند و بعلاوه برای معطر ساختن لیکورها و بعضی نوشابه ها مصرف دارد. از میوه گیاه، نوعی اسانس نیز تهیه می شود که مشابه اسانس *Cananga odorata* Don. است و گیاهی از تیره *Anonaceae* (۱) می باشد. لعاب دانه این گیاه برای درمان اسهال مصرف دارد. در ایران پرورش می یابد.

C. sinensis Koch. *، *Pyrus sinensis* Pers. - درختی است زیبا، به ارتفاع ۳ تا ۶ متر و عاری از خار که در شمال چین، ایران و هند می روید و پرورش می یابد. از مشخصات آن اینست که برگهای متناوب، ساده، بیضوی یا تخم مرغی، منتهی به نوک باریک و به طول ۶-۱ سانتیمتر دارد. گلهای آن سفرد، به رنگ صورتی روشن و به پهنای ۲ سانتیمتر اند. قسمت مورد استفاده گیاه از نظر درمانی میوه آنست که ویتامین C و اسیدهای مالیک، تارتریک و سیتریک در خود ذخیره دارد.

از میوه گیاه به عنوان قابض، جهت رفع اسهال استفاده به عمل می آید بعلاوه اثر آرام کننده درد مفاصل و تقرس دارد. مقدار مصرف آن معادل ۰ تا ۱ گرم در روز است. با ترکیبات آهن ناسازگاری دارد (Chinese herbs, p. 167).

Photinia serratula Lindl. ، *P. serratifolia* Desf. - درختچه ای با برگهای سبز بادوام و به ارتفاع ۰-۱۳ متر است. برگهای ساده، بیضوی، نوک تیز، دندانه دار، بی کرک و به درازای ۱۰-۱۸ سانتیمتر دارد. گلهای آن سفید رنگ و میوه اش دارای ظاهر کروی، به رنگ قرمز و به ابعاد ۰-۶ میلیمتر است. در چین می روید. برگ آن به مصارف درمانی می رسد و از آن به عنوان مقوی و نیرو دهنده در درمان ضعف اعصاب، ناتوانی جنسی، سیلان منی، خونروی در فواصل قاعدگی و نازائی به مقدار ۰ تا ۱ گرم در روز استفاده به عمل می آید.

چون برگهای این گیاه قبل از زمستان تغییر رنگ داده به رنگ قرمز زیبا در می آید از اینجهت به سه رنگ موسوم شده است.

در ایران پرورش می یابد.

۱- رجوع شود به جلد اول گیاهان داروئی.

Pyrus communis L.

فرانسه : Poirier ، Poirier commun ، Aigrin انگلیسی : Common Pear tree

آلمانی : Birnbaum ایتالیائی: Pero عربی: انجاص (Ingass)، کمثری (Kummathrá)

فارسی : درخت گلابی

گیاهی به صورت درختچه و به ارتفاع چندسترو یا به صورت درخت و دارای ساقه ای به بلندی ۱۰ تا ۲۰ متر است. منشأ آن بناوت به بعضی نواحی اروپا و آسیا نسبت داده می شود. از مشخصات آن این است که ریشه ای عمیق و برگهای ساده، صاف و دندانه دار دارد. گلهای آن سفید رنگ و متفاوت ممکن است کمی مایل به صورتی و مجتمع به شکل دیهیم باشد.



ش ۸۰ - *Pyrus communis*
سرشاخه گلدار (اندازه طبیعی)

ش ۷۹ - *Pyrus communis*
سرشاخه میوه دار (اندازه طبیعی)

در وسط پوشش گل آن پرچمهای متعددی با بساک ارغوانی یا سایل به بنفش در اطراف مادگی دیده می شود.

میوه اش مخروطی شکل، گوشه دار و خوراکی است.

زنبور عسل دانه گرده و نوش فراوان از آن بدست می آورد.

قسمت مورد استفاده درخت گلابی، برگهای جوان، پوست ساقه و میوه آبدار، معطر

و خوش طعم آن است.

ترکیبات شیمیائی - برگهای جوان درخت گلابی، دارای ۶-۷ درصد گلوکزید هیدروکینون Hydroquinone است که Bourquelot آنرا مشابه آربوتین arbutine تشخیص داده است.

پوست ریشه و ساقه گلابی، دارای گلوکزیدی به نام فلوریزین phlorizine (فلوریدزین phloridzine) می باشد.

آربوتین Arbutine (آربوتوزید، اورسین ursin، ursol، hydroquinone glucose)، گلوکزیدی به فرمول $C_{14}H_{14}O_6$ و به وزن ملکولی ۲۷۲۲۰ است. در گیاهان متعددی، متعلق به تیره های مختلف مانند انواع زیر یافت می شود و استخراج شده است:

۱-	Bergenia crassifolia (L.) Fritsch.	(1)	از تیره Saxifragaceae
۲-	Pyrus communis L.	(2)	Rosaceae
۳-	Oxycoccus palustris Pers.	—	Ericaceae
۴-	Vaccinium vitis-idaea L.	—	—
۵-	Arctostaphylos Uva-ursi Spreng.	—	—

سنتر این گلوکزید، توسط Mannick از استوروم گلوکز (Acetobromglucose) و هیدروکینون صورت گرفته است (3). آربوتین غالباً همراه با ستیل آربوتین، در گیاهان مختلف مخصوصاً در گیاهان تیره Ericaceae وجود دارد.

آربوتین، به صورت بلوری های سوزنی شکل، در استات تیل خیلی گرم به دست می آید نقطه ذوب فرم پایدار آن، گرمای ۹۰-۱۰۰-۲۰۰ و فرم ناپایدار آن، گرمای ۱۶۵ درجه است.

آربوتین در آب و الکل حل می شود. بسیار جاذب الرطوب است. به سهولت تحت اثر اسیدهای رقیق یا اسولسین، هیدرولیز می گردد و تبدیل به یک ملکول گلوکز (D-glucose) و یک ملکول هیدروکینون می شود.

آربوتین، به مصارف استایلیزه کردن رنگ تصاویر در عکاسی می رسد. از نظر درمانی نیز دارای اثر مدر و ضد عفونی کننده مجاری ادرار است.

فلوریدزین Phloridzine (فلوریزین Phlorizin)، فلوریزین (phlorrhizen)، به فرمول $C_{17}H_{16}O_6$ و به وزن ملکولی ۳۶۴۰ است. در پوست ریشه و ساقه درختان سیب، گلابی،

آلو، گیلان و همچنین در برگ و جوانه های مولد برگ درخت سیب و گیاهان مختلف دیگر تیره گل سرخ (Rosaceae) یافت می شود. استخراج آن از پوست ریشه سیب توسط محققینی مانند De Koninck (1) صورت گرفته است. سنتزان نیز توسط Bongár و Zemplen (2) انجام شده است (2). (امروزه وجود آنرا فقط در اعضاء درخت سیب ذکر می کنند)

دی هیدرات آن (با ۲ ملکول آب) به صورت بلورهای ریز و سوزنی شکل (در آب) به دست می آید. طعمی در آغاز شیرین دارد ولی تدریجاً تلخ می شود. در گرمای ۱۱۰ درجه نیز ذوب می گردد.

گلابی دارای ۷۶ تا ۸۳ درصد آب، ۶ تا ۱۳ درصد مواد قندی مانند دکستروز و لولوز (غالباً عاری از ساکارز)، ۱ تا ۲ درصد اسیدهای آلی آزاد مانند اسید مالیک و سیتریک، تانن، پکتین، انورتین اسپاراژین (مخصوصاً در سیوه های جوان) و ویتامین های A، B₁، B₂، C، PP، و عناصری مانند فسفر، سدیم، کلسیم، منیزیم، گوگرد، پتاسیم، کلس، آهن، منگنز، ید و آرسنیک است.

دانه گلابی، دارای آبیگدالین، ۱۳ تا ۲۱ درصد مواد روغنی و ترکیبات مختلف دیگر است.

خواص درمانی - پوست درخت گلابی، اثر قابض دارد. برگ آن مدر و آرام کننده است.

از برگ درخت گلابی در سوارد ورم مثانه، وجود باکتری ها در ادرار و وجود سنگ در مجاری ادراری استفاده می شود. با مصرف آن، مقدار دفع ادرار زیاد می گردد و بعلاوه ادرار رنگ روشن پیدا می کند و بوی بد آن از بین می رود. در مواردی که دفع ادرار به وضع بی دربی و به مقدار کم صورت می گیرد و یا پس از دفع ادرار، حالت ناراحتی احساس می شود، از آن می توان استفاده بعمل آورد. در رفع عفونت مجاری ادرار (کلی باسیلوز - التهاب مثانه) موثر است. با مصرف آن، اسید اوریک دفع می شود.

گلابی، سیوه ای است خوش طعم با اثر مدر که در مصرف آن به حالت خام نباید افراط شود زیرا معده های ضعیف آنرا به خوبی هضم نمی نمایند. گلابی پخته، سهل الهضم است و اثر ملین دارد. دارای اثر از بین برنده اسید اوریک در بدن است (Urocolytique) بعلاوه ملین و تانسین کننده عناصر معدنی بدن می باشد.

1 - De Koninck, Ann. 15, 75, 258 (1835).

- Stass, Ann 30, 192 (1839).

2 - Zemplen, Bongár, Ber. 75B, 1040 (1942).

1 - Tschitschibabin et al., Ann. 479, 303 (1930).

2 - Urban, Rogowski, Arch. exp. path. Pharmacol. 211, 194 (1950),

3 - Mannick, Arch. Pharm. 250, 547 (1912).

گللابی برای مبتلایان به بیماری قند میوه مناسبی است زیرا قسمت اعظم قند آنرا، لولز تشکیل می‌دهد. در رفع کم‌خونی و خستگی عمومی موثر واقع می‌شود به‌علاوه غذای خوبی برای زنان باردار است.

صور داروئی - برگ‌های جوان درخت گللابی به صورت دم کرده . ۰ تا . ۱ گرم در یک لیتر آب جوش (مدت دم کردن . ۲ دقیقه) مصرف می‌گردد. قبل از تهیه این دم کرده، معمولاً قطعات نازک و پوست نکنده یک گللابی و یا قطعات خشک شده پوست سیب را به منظور خوش طعم ساختن و تقویت اثرات مدر محلول، بدان می‌افزایند. مقدار مصرف آن ۲ تا ۳ فنجان در روز جهت رفع ناراحتی‌های مجاری ادراری و پروستات است. دم کرده . ۰ گرم برگ گللابی با هموزن آن، پوست سیب در یک لیتر آب که بتدریج مصرف شود، اثر دفع سنگد کلیه دارد.

در استعمال خارج، جوشانده . ۰ در هزار پوست ساقه جهت شستشو و پانسمان اولسرها و زخمهای دیرعلاج به کار می‌رود.

با مصرف مقادیر زیاد گللابی در چند روز، مشروط بر آنکه اغذیه دیگر خورده نشود، فشار خون به صورت قابل ملاحظه‌ای پائین می‌آید. مقدار مصرف شیره آن ، ۳ لیوان در روز و مصرف گللابی خشک شده، به صورت جوشانده . ۳ تا . ۵ در هزار (مدت جوشاندن یکساعت) به عنوان مدر و انرژی دهنده می‌باشد. هر . ۱ گرم گللابی ۶۰ کالری انرژی ایجاد می‌کند. میوه نژادهای پرورش یافته درخت گللابی، طعم مطبوع معطر دارند و به‌صورت تهیه کمپوت می‌رسند.

محل رویش - این گیاه در جنگلهای نواحی شمالی ایران، رشت، دشت نظیر کرمانشاه، کرمان، جوپیر، اصفهان، یزد، و غیره می‌روید. نژادهای مرغوب آن نیز پرورش می‌یابد.

Malus orientalis Ugl.

M. pumila Grossh. ، *Pyrus Malus* L.

فرانسه : Pommier انگلیسی : Apple tree آلمانی : Apfelbaum ایتالیائی : Pamo

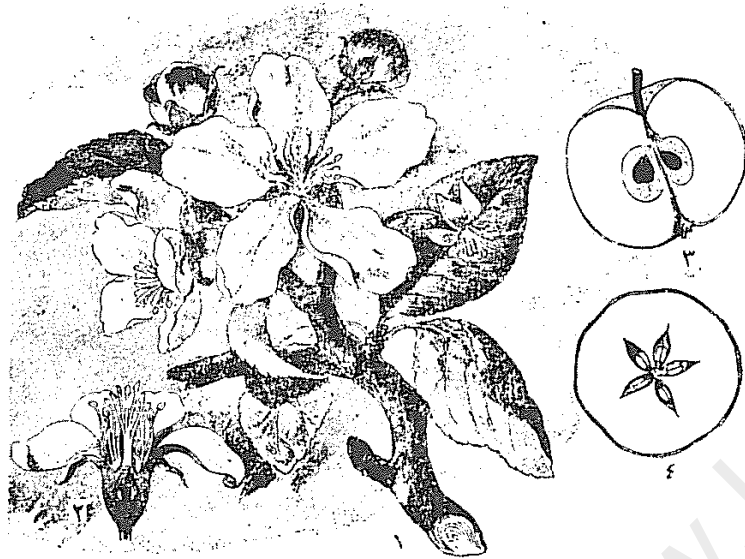
فارسی : درخت سیب ، سب‌دار (Seb dâr درگیلان) - عربی - تفاح Tuffâh

درختی به ارتفاع کمتر از درخت گللابی است بطوری که ندرتاً ممکن است ساقه متجاوز از ۱ متر پیدا نماید. پهنک برگهای آن ، در سطح فوقانی کرکدار است و کناره آن به دندانه‌های فاصله‌دار ختم می‌شود. گللهای درخت آن دارای گلبرگهایی است که غالباً

از خارج رنگ صورتی دارد. میوه آن درشت، مدور و دارای فرو رفتگی در دو سمت فوقانی و تحتانی است.

از گل درخت سیب، بوی محسوس تر از گللابی در هنگام شب استشمام می‌شود. زنبور عسل دانه‌گرده و نوش از آن بدست می‌آورد.

قسمت مورد استفاده درخت سیب، پوست ساقه، ریشه، برگ، میوه و پوست خارجی میوه آن است.



ش ۸۱ - *Malus orientalis* : سرشاخه گلدار ۳ - برش قائم گل (به اندازه‌های طبیعی) ۳ و ۴ - برشهای طولی و عرضی میوه

ترکیبات شیمیائی - قسمت‌های مختلف درخت سیب دارای ترکیب شیمیائی به شرح زیر است :

برگ درخت سیب ، پوست و پوست ریشه آن دارای گلوکزیدی به نام فلوریزین phlorizine است. این گلوکزید اگر هیدرولیز شود ، گلوکز و فلوریتین phlorétine از آن نتیجه می‌شود. ماده اخیر به صورت بلوریهایی فلس مانند بیرنگ، غیر محلول در آب ولی محلول در الکل متبلور می‌شود و از نظر درمانی نیز اثر تب بردارد.

سیب، دارای ترکیب شیمیائی متفاوت برحسب نژادهای مختلف است ولی بطور متوسط مواد مختلفی به نسبتیهای زیر در آن یافت می شود:

۸۲ تا ۸۶ درصد آب، ۶ تا ۱۶ درصد مواد قندی، ۹ درصد سلولز، ۵ درصد پنتوزان، ۴ درصد لیگنین، ۶ درصد از اسیدهای آلی آزاد، ۲ درصد اسیدهای به حالت ترکیب (مخصوصاً اسید مالیک)، ۳ درصد تانن، پکتین، مواد چرب، مواد آلبومینوئیدی و غیره.

در خاکستر آن که معادل ۳ درصد وزن کلی است، موادی نظیر پتاس، سود، سیلیس، آهک، منیزی، اسید فسفریک و غیره یافت می شود.

سیب دارای ویتامین های مختلف A، B، C و PP مخصوصاً در نژادهای وحشی و پرورش نیافته است. این ویتامین ها بیشتر در پوست سیب و بشه قرمز رنگ آن یافت می شوند. مقدار کلی آنها نیز برحسب نژادهای مختلف، شرایط آب و هوا و اختصاصات محل رویش گیاه تفاوت می نماید. هر ۱۰۰ گرم سیب ۱۳۸ کالری انرژی ایجاد می کند.

دانه سیب، دارای ۲ تا ۲۷ درصد روغن، آمیگدالین و آنزیم های مختلف مانند اکسیداز، پراکسیداز و پکتاز است.

خواص درمانی - قسمت های مختلف درخت سیب دارای اختصاصات درمانی به شرح زیر است:

پوست درخت سیب، اثر مقوی، قابض و به علت دارا بودن **فلوریزین**، اثر تب بر به نحو ملایم دارد. برای پوست ریشه آن اثر درمانی قطعی تر از پوست ساقه قائل اند.

برگ درخت سیب، اثر مدر شبیه پوست خارجی سیوه دارد و معمولاً به حالت دم کرده بکار می رود. دم کرده برگ درخت سیب، برای افزایش مقدار ادرار و رفع التهاب کلیه و مثانه بکار می رود.

فلوریزین موجود در پوست تازه درخت وایزوفلوریزین موجود در برگ، اثر تب بر ضد رماتیسم داشته، به مقدار ۰.۵ تا ۰.۷ گرم در روز می توانند مصرف شوند.

سیب، در صورتی که کاملاً رسیده باشد، اثر ملین، ضد نزله، ضد اسهال، مدر و آرام کننده دارد. این خواص بیشتر ارتباط به پوست سیب دارد که ویتامین های مختلف را شامل می باشد.

سیب پخته، ملین است مخصوصاً اگر با مقدار کمی کره پخته شود. با مصرف آن، بیخوابی رفع می شود و خواب آرام به انسان دست می دهد.

سیب خام یا پخته، مانع تشکیل اسید اوریک در بدن می شود و چون پس از خوردن

آن، مقدار کلی اسیدهای ادرار مخصوصاً اسید فرمیک افزایش می یابد از این جهت مصرف آن برای مبتلایان به رماتیسم، تفرس، تصلب شرائین، آگزماهای مزمن (Flamm و Eckstein در سال ۱۹۳۳)، مبتلایان به چاقی، برافروختگی (توجه خون به نواحی سر)، بواسیر و بیماریهای پوست توصیه گردیده است.

شیره سیب، اثر مفید در سرماخوردگی، گرفتگی صدا، سرفه، نزله برونشها، بیماریهای سینه، حالات عصبی و غیره ظاهر می نماید. از سیب برای منظورهای درمانی، به صورت مارمالاد، کمپوت و غیره می توان استفاده بعمل آورد.

اخیراً، مداوای بعضی از بیماریها با مصرف اختصاصی سیب در شبانه روز، بین مردم رواج یافته است.

مصرف سیب وحشی، به منظور رفع اسهالهای ساده، از قدیم الایام بین مردم معمول بوده است بطوری که در آثار اطباء قدیم مانند Matthiole (سال ۱۵۵۴)، چنین اثر درمانی برای آن ذکر شده است.

بررسی های دقیق نشان داده است که مصرف سیب در پیچود ورم حاد و مزمن روده ها اثر مفید دارد بطوری که با مصرف آن می توان مخصوصاً به کودکان خردسال کمک مؤثر نمود. پوره سیب رسیده که پس از جدا کردن دانه و ناحیه وسطای سیوه، از آن تهیه می گردد، هیچ گونه ناراحتی بوجود نمی آورد. پوره سیب را که از سیوه خام تهیه می شود، می توان به مقدار متغییر به تناسب سن و وسیل به خوردن، از ۰.۵ تا ۱.۵ گرم در شبانه روز (در سه مرتبه) مصرف کرد و این عمل را نیز دو روز متوالی ادامه داد مشروط بر آنکه در طی این دو روز، غذای دیگری مصرف نشود و اگر تشنگی شدید پیش آید، کمی چای که با ساکارین شیرین شده باشد مصرف گردد. در روز سوم تدریجاً می توان با خوردن مقادیر کمی از اغذیه دیگر، رژیم مذکور را معتدل نمود. باین روش پس از ۲ روز، مدفوع حالت عادی به خود می گیرد و احساس درد و ناراحتی در بیماریهای مذکور رفع می شود. اثر قطعی مداوای مذکور، توسط عده ای از پزشکان سالهای اخیر نیز مورد بررسی و تأیید قرار گرفته است.

مصرف سیب خام در موارد ورم حاد روده در اطفال، آنتروکولیت، دیسانتری، تب های تیفوئید و پاراتیفوئید، گاستروانتریت مزمن (gastro-entérite)، ورم رده بزرگ و غیره توصیه شده است.

باتوجه به اثر درمانی سیب و اینکه مقادیر زیاد این سیوه نمی تواند به مصرف اطفال برسد، عده ای را بر آن داشت که از این غذای مفید و مطبوع حداکثر استفاده را در طبابت اطفال بعمل آورند و به جای آن از گرد سیب خشک شده در حلال تحت نام آلپونا Alpona

برای مصارف درمانی اطفال، استفاده بعمل آورند (Wiskott). هر ۱۰۰ گرم این گرد معادل یک کیلوگرم سیب تازه است. این گرد در هر مایعی حل می‌شود و حجم زیاد نیز ندارد تا نتواند به مصرف اطفال برسد. سیب به علت داشتن پکتین کافی، اثر کاهش دهنده کلسترول خون دارد (L. Binet). و چون پس از مصرف آن، نوعی دیاستاز با اثر دفع با کتری در روده ایجاد می‌شود، از این جهت، ضد عفونی کننده روده نیز می‌باشد. اثر تصفیه کننده خون و حیات بخش در بافت‌های بدن دارد، بهمین علت در رفع خستگی‌های جسمانی (مخصوصاً برای ورزشکاران) و فکری و در دوره بارداری اثرات مفید ظاهر می‌کند. در پیش‌گیری از تصلب شرائین و بروز ناراحتی‌های ناشی از عفونت روده (کلی باسیلوز)، دفع رسوبات ادراری از نوع اورات و سردردهای منشاء عصبی موثر واقع می‌شود. بعلاوه می‌تواند به مقدار معتدل، مورد استفاده بیماران مبتلا به مرض قند قرار گیرد.

پوست سیب که در گرمای خورشید و یا در کنار اجاق با گرمای معتدل و ثابت، خشک شده باشد، اثر مفید در رفع بیماریهای مختلف دارد.

بعضی از پزشکان متخصص که در مداوای بیماریها با فرآورده‌های گیاهی، کارهای ارزنده نموده‌اند مانند Dr. Chesnais (در سال ۱۹۱۰)، Dr. Decaux, Dr. H. Leclerc (در سال ۱۹۳۰) و عده‌ای دیگر، مصرف جوشانده و یا بطور کلی تیزان حاصل از قطعات پوست خشک شده سیب را در رفع ورم مفاصل، رماتیسم، نقرس و ناراحتی‌های منشاء کلیه همراه با کاهش مقدار ادرار، توصیه نموده‌اند. پس از مصرف این تیزان ترشح مقدار کلی ادرار افزایش یافته، رنگ آن روشن می‌شود و ضمناً دفع اسیداوریک بدن تسهیل گردیده عمل دستگاه هضم و روده منظم می‌شود.

از تخمیر شیره سیب، نوعی مشروب الکلی مطبوع به نام سیدر Cidre تهیه می‌شود که از آن به جای شراب استفاده بعمل می‌آید. در مناطقی که انگور جهت تهیه شراب نیست از شیره سیب برای این منظور استفاده بعمل می‌آید.

از سیب پخته و پیه خوک، سابقاً نوعی اونگان تهیه می‌نمودند که از آن در رفع بریدگیها و ترک پوست بدن استفاده بعمل می‌آمده است.

این اونگان، سابقاً پوماتا (Pomata) نامیده می‌شده است^(۱).

از شیره سیب پخته می‌توان به صورت غرغره در رفع آذین، استفاده بعمل آورد و نتیجه مطلوب گرفت.

در مورد مصرف سیب و تأثیر آن در کاهش کلسترول خون، بررسی‌های علمی و درمانی

۱- بنظر می‌رسد که کلمه پماد Pommade، از Pomata مشتق شده باشد.

فراوانی در جهان صورت گرفته و مقالات متعددی به چاپ رسیده که خلاصه یک نمونه آن، نقل از یک مجله درمانی جدید^(۱) به شرح زیر می‌باشد:

بررسی‌هایی که بر روی تغذیه نوعی جوته شبیه موش صحرایی به نام hamster (2)، با سیب به عمل آمده چنین نتیجه گرفته شده است که مصرف سیب، می‌تواند مقدار نسبی کلسترول خون را در جانور کاهش دهد.

با افزودن سیب به غذای جانور مذکور، ۲ درصد کلسترول خون در انواعی که کلسترول خون آنها قبل از آزمایش، حالت طبیعی داشته، کاهش می‌یابد و اگر این عمل بر روی انواعی که قبل از آزمایش، کلسترول خون آنها بیش از حد طبیعی باشد صورت گیرد، مقدار درصد این ماده، به حد طبیعی عودت پیدا می‌کند.

با آنکه نظریات مختلفی در این مورد اظهار گردیده ولی هنوز مکانیسم بیوشیمی آن مشخص نشده است. معهداً چنین اظهار عقیده می‌شود که این کاهش کلسترول خون را می‌توان مربوط به تاثیر افزایش فیبرهای دانست که از طریق تغذیه وارد بدن می‌شود و چون سیب، سرشار از فیبرهای گیاهی و مخصوصاً پکتین است، می‌توان ارزش این سیب را از اغذیه دیگر و آنهایی که فقط پکتین لازم را تامین می‌کنند برتر دانست بعلاوه باید اثر مواد دیگر موجود در سیب مانند ویتامین C و قند فروکتوز را نیز به حساب آورد (3). برای توضیح بیشتر، تفسیر محقق دیگری به نام G. Turpin (4) را که در مورد مذکور، در مجله نامبرده چاپ گردیده به شرح زیر ذکر می‌نمائیم:

سیب به علت آنکه ۳ تا ۴ درصد از مجموع گلوئوسیدهای آن که به ۲ گرم درصد می‌رسد، از قند فروکتوز تشکیل می‌یابد، اثر کاهش دهنده کلسترول خون را ظاهر می‌نماید. با افزودن سیب به غذای جانوران جوته مذکور، که کلسترول طبیعی داشته باشند، مقدار ۲ درصد کلسترول و به انواعی که کلسترول آنها بیش از حد طبیعی باشد، مقادیر بیشتر این ماده

1 - Concours médical, 19 - 06 - (1982), 104 - 25,

۲ - hamster، نوعی جوته شبیه موش صحرایی است. نوعی از آن که در اروپا و نواحی غربی آسیا یافت می‌شود به نام Cricetus cricetus موسوم می‌باشد و آنرا برای انجام کارهای آزمایشگاهی در تحقیقات علمی و پزشکی پرورش می‌دهند. (Dorland's med. Dictionary, p. 676, 25th ed.)

3 - Sicart R. et ... Inst. Physiologie, ERA - CNRS no. 412, CR Séances de la Société de Biologie de Toulouse. (1979), 173, 5, 937.

4 - Maître conf. agr. méd. Hôp., Serv. endocrinologie métabolisme CHU Pitié - Salpêtrière, Paris.

کاهش پیدا می کند ضمناً در مورد خرگوش و کوبای (Cobaye) نیز به همین نتیجه از نظر کم شدن مقدار درصد کلسترول خون رسیده اند. با توجه به آنچه که ذکر شد. بررسی های غیر کافی و معدودی که در مورد مذکور در انسان به عمل می آید، با وسعت بیشتری ضروری تشخیص داده شد تا با جمع آوری نتایج حاصل از بررسی ها، اثر درمانی سیب در کاهش کلسترول خون، روشن تر ارائه گردد. با اینهمه، نتیجه بررسی ها در مورد انسان تاکنون چنین بوده است که مصرف روزانه ۳۰۰ تا ۴۰۰ گرم سیب، کلسترول خون را به میزان ۱۰ تا ۲۰ درصد (در ۰ درصد از افرادی که تحت آزمایش قرار داشته اند) پائین می آورد و این نتیجه ای است که عده ای از محققین ایتالیائی و انگلوساکسون از کارهای علمی خود به دست آورده اند.

صورت داروئی - دم کرده یا جوشانده ۲۰ گرم پوست درخت سیب یا برگ آن - تیزان پوست خشک شده سیب به مقدار یک قاشق سوپخوری برای یک فنجان آب (مدت جوشیدن یک ربع ساعت) - شربت سیب.

دم کرده حاصل از قطعات ۲-۳ عدد سیب در یک لیتر آب (مدت دم کردن ۱ دقیقه) به مقدار ۴-۶ فنجان و حتی بیشتر، در رفع برونشیت، نقرس و ناراحتی های روده موثر واقع می گردد. دم کرده گرد پوست سیب نیز به مقدار یک قاشق سوپخوری برای هر فنجان و به مقدار ۴-۶ فنجان در روز در رفع رماتیسم، نقرس و همچنین افزایش حجم دفع ادرار تاثیر درمانی ظاهر می کند. برای تهیه شربت سیب، ۸۷۰ گرم قند را در ۰ گرم شیره سیب وارد کرده تحت اثر گرمای معتدل قرار می دهند.

در سوسیس بعضی پزشکان، در درمان دیابت کودکان با خوردن سیب و سبزیجات (گوجه فرنگی پخته شده در تنور) در دوره های معین بیماری، به نتایج مثبت رسیده اند. مردم انگلستان معتقدند که با مصرف یک سیب در روز، پزشک به خانه راه نمی یابد.

در استعمال خارج، اثر دادن قطعات سیب پخته شده در شیره سیب و یا مخلوط شیره - سیب به نسبت مساوی با روغن زیتون، بر روی زخمهای سست و دیبرعلاج (plaies atones)، باعث بهبودی آنها می شود. شیره سیب در تقویت سلولهای پوست بدن مانند صورت، گردن، سینه و شکم تأثیر مفید ظاهر می کند.

شیره سیب از پیدایش چین و چروک در پوست صورت جلوگیری می نماید مشروط بر آنکه به حالت تازه به کار رود. برای اخذ نتیجه بیشتر بهتر است که ضمن استفاده از آن، سیب پخته شده در شیر را له نموده در حالی که گرمای مختصر داشته باشد مانند ماسک صورت به کار برند. **محل رویش** - نوع وحشی درخت سیب در جنگلهای نواحی شمالی ایران، گچسر،

نواحی مختلف البرز؛ رازخان در ارتفاعات ۱۶۰۰ متری، از آستارا تا گرگان، کندوان تا ارتفاعات ۲۷۰۰ متری و غیره می روید.

نژادهای مختلف آن، در غالب نواحی ایران پرورش می یابد.

Mespilus germanica L.

Pyrus germanica Hook. ، *M. vulgaris* Rchb.

فرانسه : Néflier ، Néflier d'Allemagne ، Merlier انگلیسی : Medlar - tree

آلمانی : Mispel ، Mispelboom ، Deutsch mispel ، mispel ایتالیائی : Nespolo

فارسی : درخت ازگیل، کونوس دار (گیلان) - عربی شملا (Mashmulâ)، ینی دنیا

درختچه و یا درخت کوچکی به ارتفاع ۵ تا ۶ متر است و در غالب جنگلهای نواحی معتدله آسیا و اروپا می روید. نمونه های پیوند شده و پرورش یافته آن، میوه ای درشت با طعم مطبوع می دهد. منشأ اصلی آن به خلاف نام علمی که دارد، در آلمان نیست بلکه در نواحی جنوب و جنوب شرقی آسیاست.

درخت ازگیل، ساقه های خاردار، برگهای بیضوی دراز، نوک تیز بادندانه های کوچک و گلهای درشت، سفید رنگ و گاهی صورتی دارد. میوه اش کروی شکل، با ظاهر مشخص و دارای کاسبرگهای استپاله مانند در قسمت انتهائی است. در داخل میوه آن، دانه های سختی، محصور در یک قسمت گوشتدار جای دارد.

زنبور عسل کمتر به سمت گلهای درشت ولی عاری از بوی درخت ازگیل جلب می گردد.

قسمت مورد استفاده درخت ازگیل، برگ و میوه آن است.

ترکیبات شیمیائی - پوست درخت ازگیل، برگ و میوه آن دارای تانن زیاد است بطوری که از آنها در دباغی می توان استفاده بعمل آورد.

ازگیل، علاوه بر تانن، دارای موسیلاژ فراوان، ۷۵ درصد آب، ۱۰ درصد قند، ۷ تا ۱۱ درصد سلولز، ۱۳۸ اسید مالیک، اسید سیتریک و تارتریک، به مقدار جزئی اسید بوریک، نیز ویتامین های B و C است.

خواص درمانی - از بررسی های دقیق Dr. Mercier (در سال ۱۹۰۷) که بر روی خود و بیماران سرویس خود بعمل آورد این نتیجه حاصل شد که ازگیل، دو عمل متمایز انجام می دهد یکی آنکه بر روی روده اثر مقوی و قابض دارد بطوری که با مصرف آن، ورم روده بطور محسوس بهبود می یابد و دیگر آنکه بر روی خون اثر کرده، فشار اسمزی آنرا بالا می برد.

ازگیل در رفع اسهال‌های ساده، اثر قاطع دارد. مصرف ازگیل نارس که تانن فراوان دارد و در نتیجه، قابض‌تر از نوع رسیده است در رفع خوروپها مؤثر واقع می‌شود بعلاوه مدر است. برگ ازگیل قابض است و جوشانده آن به صورت غرغره در رفع آفت (Aplites) و ورم-مخاط‌گلو مؤثر واقع می‌شود.



ش ۸۲ - Mespilus germanica : سرشاخه گلدار - میوه

صور داروئی- ازگیل علاوه بر صور داروئی مختلف که دارد، به حالت طبیعی و خام نیز بیوسته مصرف می‌گردد. شربت ازگیل، در رفع حالت اسهالی اطفال اثر مفید دارد. برای تهیه

این شربت ، ۱۰۰ گرم ازگیل نیمه رسیده را به صورت قطعاتی در آورده ، در نیم لیتر آب به مدت یک ربع ساعت می‌جوشانند سپس . ۵ گرم برگ تازه Sanguisorbisa officinalis را بدان افزوده به مدت ۵ ساعت دم می‌کنند . به این دم کرده آنقدر قند می‌افزایند تا مجموعاً حالت شربت مانند از نظر غلظت پیدا نماید. مقدار مصرف این شربت که طعم مطبوع دارد، ۱۰۰ تا ۲۰۰ گرم در ۲۴ ساعت می‌باشد.

از ازگیل طبق فرمول Mercier به دو صورت مختلف یکی از مخلوط کردن ۲۳ گرم نوع رسیده و عاری از پوست و دانه آن در مقداری شیر و دیگری به صورت کنسرو می‌توان استفاده بعمل آورد.

کنسرو ازگیل: برای تهیه کنسرو ازگیل، یک کیلو ازگیل رسیده را با نیم لیتر آب و ۸۰ گرم قند به مدت سه ربع ساعت می‌جوشانند و می‌پزند بعداً آنرا در ۴ ظرف جداگانه و کاملاً در بسته جای داده ، در ۴ تا ۸ دفعه هنگام صبح مورد استفاده قرار می‌دهند.

از ازگیل به صورت زیر جهت درمان بیماریها می‌توان استفاده به عمل آورد (۱) . مقدار یک مشت هسته کوبیده شده ازگیل را به مدت ۲۴ ساعت در ظرفی محتوی شراب سفید قرار می‌دهند تا به خوبی خیسانده شود. سپس آنرا صاف کرده و هر روز صبح به مقدار یک لیوان جهت درمان عوارض ناراحت کننده نقرس ، درد در ناحیه زیر کمر و دفع سنگ کلیه مصرف نمایند.

در استعمال خارج ، جوشانده . ۵ در هزار برگ درخت ازگیل ، به صورت غرغره و شستشوی مخاط دهان بکار می‌رود.

محل رویش- نواحی مختلف ایران ، گیلان: بندرانزلی، میان پشته ، لاهیجان، اطراف رشت، عمارلو، کبوترچاک، گرگان: زیارت، بندرگز، بین رباط قزلق و گرگان . مازندران: درم تالار، بین قائم شهر (شاهی سابق) و بل سفید، بین جنگل گدوک و عباس آباد، کجور، دره چالوس اطراف تهران و بسیاری از نواحی دیگر ایران مانند آذربایجان : قره داغ ، دانسه های جنگل- حاجی امیر در ۲۸ کیلومتری شمال شرقی اردبیل در ۱۶۰۰ متری آسینا.

اساسی محلی: درخت ازگیل در آستارا ، کونوس دار ، کنس Kanace ، کونوس ، (در گیلان و مازندران) ، کوندوز در لاهیجان ، کجور ، کلاردشت، گرگان ، کوندوس در گرگان ، سر Ser ، زر Zer ، تورش سر (Thurshé ser) در طوالش ، فتر (Fatar) در اطراف رشت ، تورش کونوس و کونوس در راسر ، شهسوار و رشت ، تلمس گور در رایسان.

* *Crataegus oxyacantha* L.

فرانسه : E. blanche, Noble épine, Epine de mai, A. épineuse, Aubépine
 انگلیسی : May - tree, Hawthorn, May - bush, Rotdorn, Weissdorn, آلمانی
 ایتالیایی : Spina bianca, Marruca bianca عربی: زعرورالادویه، الشوکه الحاده

درختچه‌ای است باشاخه‌های انبوه خاردار که برگهائی دنداندار و منقسم به لوبهای کم عمق دارد. گل‌های آن سفید رنگ یا مایل به گلی و مجتمع به صورت دپییم است و پس از پیدایش برگ نیز در گیاه ظاهر می‌شود. میوه‌اش نسبتاً بزرگ و به طول تقریباً یک سانتیمتر (حتی بیشتر) و محل رویش آن در جنگلهای نواحی مختلف اروپا، آفریقای شمالی و آسیاست.

این گیاه در کتب داروئی، مرکب از دو گونه فرعی یکی *C. oxyacanthoides* Thuill. و دیگری سوسوم به *C. monogyna* Jacq. ذکر گردیده است ولی در کتب گیاهی، دو گونه مذکور بتفاوت به همان صورت و یا به صورت انواع جداگانه با مشخصات متمایز آورده شده‌اند.

در گیاه اول یعنی در *C. oxyacanthoides*، شاخه‌های جوان، عاری از تار و برگها به رنگ سبز تیره شفاف و مرکب از ۳ تا ۵ لوب کم عمق و دنداندار است. از مشخصات آن این است که اولاً مادگی آن شامل ۲ تا ۳ خار می‌باشد و ثانیاً گل‌های آن در آغاز اردیبهشت ماه ظاهر می‌گردد.

Crataegus monogyna، ظاهری کاملاً متفاوت از گیاه قبلی دارد زیرا اولاً برگهای آن به رنگ سبز روشن با ۳ تا ۵ لوب عمیق نوک تیز است ثانیاً به خلاف گیاه قبلی، گل‌های سفید و صورتی رنگ آن، مادگی منتهی به یک خار دارد.

میوه‌اش منحصراً دارای یک هسته کوچک و سخت می‌باشد.

قسمت مورد استفاده گیاهان مذکور، گل، برگ، پوست و میوه آنهاست.

استفاده از انواع درمائی *Crataegus* ها، هنوز با همه فراوانی که در نواحی مختلف ایران دارند، بین مردم معمول نگردیده است.

ترکیبات شیمیائی - قسمتهای مختلف این گیاه دارای مواد مؤثری به شرح زیر است: پوست این گیاهان دارای مواد مؤثر و تلخی به نامهای کراته ژین *cratégine* و اوکسیا کاتین *oxyacanthine* (این دو ماده هر دو اثر تب‌بر دارند) است.

دانه آنها دارای آسیدگالین و جوانه آنها شامل یک گلوگزید سولف اسید سیانیدریک می‌باشد. وجود این مواد در گل محقق نگردیده است.

گل و برگ گیاه دارای تری‌ترین‌های اسید (اولتانولیک، اورسولیک، کراته‌گولیک *ac. crataegolique*)، پورین‌ها، پیگمان‌های آنتوسیانین، مشتقات فلاوونی (پلارگونین *pelargonine*، کوئرستین *quercitrine*)، کولین، استیل کولین *acetylcholine*، تری‌متیل‌آمین *trimethylamine*، اسید کلروژنیک، اسید کافئیک، اسید آسکوربیک، یک هورمون نمو و غیره است (Merck Index, N. 2555).



ش ۸۳ - *Crataegus oxyacantha*: سرشاخه‌های گلدار و میوه‌دار

در بازار تجارت به عنوان قلب، گل‌های *Prunus spinosa* را که فاقد تری‌اتیل‌آمین است، به گل گیاهان مذکور می‌افزایند. ولی کوچک بودن گل در گیاهان مذکور از وسایل تشخیص آنها از گیاه اخیر است از این جهت تشخیص ناخالصی به سهولت از روی مشخصات گل، امکان پذیر می‌باشد.

خواص درمائی - گل‌های این گیاه اثر ضد تشنج، مقوی قلب و کم کننده فشارخون دارد و اگر به مدت طولانی مصرف گردد اثر آن قطعی است. Dr. H. Leclerc درباره کیفیت درمائی گل‌های گیاهان مذکور چنین اظهار داشته که اثر آنها اگر ماهها مصرف شوند، به نحو ملامت ولی قاطع ظاهر می‌گردد.

مصرف فرآورده‌های حاصل از گل‌های گیاهان مذکور موجب کاهش قابلیت تحریک سلسله اعصاب می‌شود. از این جهت تنها از آنها در موارد ضعف قلب، آنژین دوپواترین، تصلب شرائین، بی‌خوابی‌های زمان یا نسه‌گی، ورم آورت و غیره استفاده بعمل می‌آید بلکه در اختلالات عصبی مانند اضطراب و نگرانی، بی‌خوابی، سرگیجه، احساس صداهائی در گوش و غیره نیز مورد مصرف قرار می‌گیرند. دم کرده گل و برگ آنها در آلمان جهت رفع چاقی مصرف می‌شود.

میوه آنها قابض است و اثر رفع اسهال دارد.

در استعمال خارج از جوشانده میوه این گیاهان، به صورت غرغره جهت رفع آنژین، استفاده بعمل می‌آورند علاوه بر آن به علت داشتن اثر قابض در تهیه فرآورده‌های بهداشتی مخصوصاً تهیه کرم (crème) برای پوست‌های چرب استفاده می‌شود. دم کرد ۲ گرم آن در نیم لیتر آبجوش پس از پاک کردن آرایش صورت، در سلامت و تقویت پوست‌های چرب اثر مفید ظاهر می‌نماید.

پوست درختچه‌های مذکور، دارای اثر تب بر است.

گل‌های گیاهان مذکور معمولاً بطور خالص و یا مخلوط با پاسیفلور و والرین به مصارف درمانی می‌رسند.

از گیاه مذکور، فرآورده‌هائی جهت رفع تشویش و اضطراب‌های عصبی و یه عنوان آرام‌بخش و ضد تشنج به شرح ۳ فرمول زیر تهیه می‌نمایند (۱):

۱- جهت رفع تشویش و اضطراب‌های عصبی

تنطور بلادون ۱ گرم

گیاه مذکور (Crataegus oxyacantha) ۱۰

پاسیفلور (گل ساعتی Passiflor) ۱۰

مخلوط مذکور را به مقدار ۲۰ گرم در آب حل نموده، روزانه ۲ مرتبه در مواقع احساس اضطراب‌های عصبی و تشویش مصرف نمایند.

۲- آرام بخش قلبی - عروقی (Cardio-vasculaire)

تنطور پاسیفلور (گل ساعتی) ۳ گرم

گیاه مذکور (Crat. oxyacantha) ۳

- والرین ۴

عرق نعناع (آبمقطر نعناع) به مقدار کافی تا ۹۰ میلی‌لیتر

مخلوط مذکور را باید به مقدار یک قاشق قهوه‌خوری در کمی آب ریخته به عنوان آرام‌بخش در ناراحتی‌های قلبی - عروقی مصرف نمایند.

۳- داروی ضد تشنج (Antispasmodique)

تنطور گیاه مذکور (Crat. oxyacantha) ۲۰ گرم

- پاسیفلور (گل ساعتی) ۱۰

الکلاتور بلوطه (1) (Ballota nigra) ۱۰

مخلوط فوق را باید به مقدار ۴ تا ۶ قطره، به حالت رقیق شده و ۳ مرتبه در روز مصرف کرد.

۴- دارو جهت تقویت قلب و درمان آنژین دوپواترین (Angine de poitrine)

برگ انگور قرمز ۲۵ گرم

کیسه کشیش ۲۰

برگ دارویش (Viscum album) ۲۰

قطعات ریشه گل قاصد ۱۵

برگ بلسکی (Galium aparine) ۱۵

پوست ساقه درختچه زرشک ۱۵

سرشاخه گلدار (Teucrium chamaedrys) ۱۰

گل‌های گیاه مذکور (Crataegus oxyacantha) ۵

گل موکت (Convallaria Maialis) ۵

برگ و اعضای گیاهان مذکور، همچنین ریشه را باید به قطعات خیلی کوچک در آورده به خوبی مخلوط کرد و سپس ۳ قاشق سوپ‌خوری از مخلوط را در نیم لیتر آب حرارت داد و پس از چند دقیقه جوشیدن، ظرف محتوی جوشانده را در محل مناسب (در تمام مدت شب) قرار داد. هنگام صبح، محلول را بخوبی صاف نموده و همه آنرا تدریجاً در طول روز مصرف نمود. به جوشانده مذکور می‌توان مقدار کمی عسل نیز جهت خوش طعم نمودن آن افزود.

صور داروئی - گل‌های گیاهان مذکور به صورت دم کرده یک قاشق قهوه‌خوری برای هر

فنجان و به مقدار ۲ تا ۳ فنجان در روز و گرد آنها به مقدار ۴ تا ۸ گرم در روز - تنطور الکلی ۱

(کدکس) به مقدار ۲۰ قطره و ۲ یا ۳ دفعه در روز قبل از غذا - عصاره روان به مقدار ۱ تا ۱۰ قطره و ۳ تا ۵ دفعه در روز - نیزان میوه که به مقدار ۱۰ گرم در یک لیتر آب تهیه می شود به مقدار ۲-۳ فنجان در روز.

باید توجه داشت که مصرف تنطور به مقدار ۲۰ قطره و ۲-۳ مرتبه در روز قبل غذا، برای مدت ۳ هفته تا یک ماه جهت کم کردن فشارخون و به مقدار ۰.۴ قطره هنگام خوابیدن، به عنوان ضد تشنج و خواب آور می تواند مصرف شود.

سحل رویش *C. monogyna*، در نواحی مختلف البرز، ارومیه (رضائیه سابق)، بروجرد، گرگان، اراک، کلاردشت در ۲۲۰۰ متری، کتول در ۱۲۰۰ متری، شمال تهران، پس قلعه در ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ متری، کرج و کوه دشته می روید.

اسامی محلی: این گیاه در گرگان به سرخ و لیمک موسوم است.

***Crataegus cuneata** Sieb. et Zucc.، در چین، ژاپن، تایوان، ایران (۹) و برخی نواحی دیگر آسیا می روید. ساقه و برگ آن به صاف درمانی می رسد. مانند آنکه از آن به عنوان قابض، بند آورنده خون در خونریزیهای روده کوچک، خونروی در فواصل قاعدگی، همانوری (وجود خون در ادرار)، خونروی های معدی، سل ریوی و همچنین به عنوان مقوی قلب به مقدار ۱-۵ گرم در روز استفاده به عمل می آید (Chinese herbs 1976).

*Rubus fruticosus L.

R. dumosus Salisb. ، *R. paniculatus* Schlecht

فرانسه : Ronce noir ، Mûrier des haies ، Mûrier sauvage ، Ronce

انگلیسی : Black-berry ، Brumble ، Common bramble ، Bramble

آلمانی : Kratzbeere ، Brombeeren ، Beerstrauch ، Brombeerstrauch

ایتالیایی : Moro di macchia ، Moro delle siepi ، Roveto ، Rogo ، Rovo

عربی : توت شوکی، علیق

گیاهی است با ساقه بالا رونده به طول ۵ تا ۱۰ متر که به کمک خارهای قوی و فراوان خود به سهولت به تکیه گاه و گیاهان مجاور خود قلاب می شود. ساقه آن زاویه دار و در آغاز دارای حالت قائم است ولی تدریجاً به علت عدم وجود بافت های نگهدارنده کافی، حالت خمیده و خوابیده پیدا می کند. از مشخصات آن این است که برگهایی متناوب بادمبرگ مشخص، مرکب از ۳ تا ۷ برگچه بزرگ بیضوی، نوک تیز و دندانه دار دارد. سطح تحتانی پهنک برگچه های آن

به خلاف سطح فوقانی، پوشیده از تارهای پنبه ای است به علاوه خارهای کوچک چندی بر روی رگبرگ میانی آن دیده می شود.

گل های آن که در خرداد تا مرداد ظاهر می شود، بزرگ، سفید یا گلی و مجتمع به صورت خوشه های متعدد است. کاسه هر گل آن شامل ۵ کاسبرگ سبز یا کناره سفید رنگ و پایاست بطوری که پس از پیدایش میوه نیز در قاعده آن باقی می ماند. جام گل آن از ۵ گلبرگ بازنده تشکیل می یابد. در داخل آن، تعداد زیادی پرچم و برچه های متعدد در حول یک نهنج



ش ۸۴ - *Rubus fruticosus* : ۱ - سرشاخه گلدار

۲ - شاخه برگدار ۳ - گل ۴ - ۵ میوه ویرش قائم آن

مخروطی قرار گرفته است. قسمت خارجی هر برچه پس از رسیدن، آبدار ولی قسمت داخل آنها سخت گردیده دانه را فرا می گیرد. آنچه که بین مردم میوه نامیده می شود، مجموعه نهنج و میوه های کوچک و رسیده اطراف آن است. در حدفاصل بین کاسه گل و برچه های رسیده (میوه) آن، معمولاً پرچمهای گل مشاهده می گردد.

این گیاه به حدوفور در کنار جنگلها، بیشه ها، پرچین و حاشیه مزارع می روید. ساقه های دراز آن به سهولت به کمک خارهای تیز و فراوانش، محیط اطراف خود را فرا می گیرد.

گیاه مذکور، دارای گونه‌های فرعی واریته‌های متعدد است. برگ آنها ونوع دیگری از *Rubus* ها مانند *R. caesius* ، در بازرگانی عرضه می‌شود. *R. caesius* L. که در ایران می‌روید، میوه‌ای به رنگ مایل به آبی با ظاهر مشخص از گیاه قبلی و شاخه‌های پوشیده از خارهای کوچک و فراوان دارد. نام عمومی آنها، **تمشک** است. این نام در عین حال به میوه گیاه نیز اطلاق می‌گردد.



ش ۸۵ - *Rubus caesius* : ۱ - سرشاخه گلدار ۲ - شاخه میوه‌دار
(اندازه‌های طبیعی)

قسمت مورد استفاده این گیاهان برگ، جوانه، پوست ریشه، میوه و حتی گل آنهاست. ترکیبات شیمیائی - قسمتهای مختلف این گیاهان دارای ترکیب شیمیائی به شرح زیر است:

برگ این گیاهان، دارای مواد آلومینوئیدی فراوان و تانن است. اثر درمانی برگ آنها نیز مربوط بوجود تانن در آنهاست.

میوه آنها (تمشک)، برحسب واریته‌ها و نژادهای مختلف، ترکیب متفاوت دارد ولی بطور متوسط، دارای ۸۰ درصد آب، ۴ تا ۷ درصد مواد قندی (دکستروز، لولوز، به مقدار بسیار جزئی ساکارز) ، مقدار کمی از اسیدهای آلی مختلف مانند اسید سوکسینیک ، اسید مالیک ،

اسید اکسالیک، اسید سیتریک و اسید سالیسیلیک، به مقدار کم اینوزیت، صمغ، پکتین، کمی مواد چرب، پنتوزان و غیره است. قسمتی که درون برچه‌های آبدار و رسیده قرار دارد، شامل ۱۳ درصد روغن مرکب از اولئین و لینولئین می‌باشد.

خواص درمانی - برگ و جوانه‌های این گیاهان، بطور ملایم، اثر قابض، بندآورنده خون، ضد دیابت (Dr. H. Leclerc)، مقوی و تصفیه کننده خون دارند. گل و ریشه آنها نیز اثرات مذکور را دارا می‌باشند.

از برگ آنها برای رفع اسهال‌های ساده، دیسانتری، رفع ترشحات مهبلی، خونروی‌های رحمی (خونروی در فواصل قاعدگی)، اختلاط خونی، وجود خون در ادرار، درمان بیماری قند، کم‌خونی، گریب، گرفتگی صدا، آب‌آوردن انساج، بیماریهای پوست و ازجوشانده آنها در استعمال خارج به صورت غرغره برای رفع درد گلو، ورم لوزتین، ورم لثه‌ها و ورم حلق و حنجره می‌توان استفاده بعمل آورد.

بکار بردن جوشانده مذکور به صورت حمام دهان، در رفع التهاب مخاط دهان و همچنین نرمی و ورم لثه، اثر بسیار خوب ظاهر می‌کند. به جوشانده مذکور در استعمال خارج غالباً مقدار کمی زاج یا براکس اضافه نموده باقند یا عسل آنرا شیرین می‌کنند.

جوشانده پوست ریشه این گیاهان به صورت شستشو و تزریق‌های مهبلی اثر مفید در رفع ترشحات مهبلی دارد (Gazin) بعلاوه در رفع ترشحات بواسیر مؤثر است.

قرار دادن له شده برگ تازه آنها بر روی آبسه‌های گرم، زخمهای کهنه و دیر علاج، سوداء و اولسر زانو، موجب تسریع معالجه آنها می‌گردد. میوه آنها (تمشک) ، طعم مطبوع دارد مشروط بر آنکه به حالت کاملاً رسیده و عاری از آلودگی مصرف گردد. تمشک اثر قابض ملایم نیز دارد. از میوه رسیده این گیاهان ، شربت با طعم مطبوع تهیه می‌شود که جهت رفع اسهال اطفال بکار می‌رود.

صور دارویی - جوشانده ۲۰ تا ۵۰ در هزار جوانه، گل، برگ و پوست ریشه گیاه به مقدار ۳ فنجان در روز بین هردو غذا. جوشانده ۵۰ در هزار آنها که ۲ قاشق عسل، ۴ تا ۱۰ گرم زاج و به همان مقدار گرد بر اکس بدان افزوده باشند، در استعمال خارج بکار می‌رود (افزودن مواد اخیر، به منظور تقویت اثر جوشانده مذکور است).

در درمان بیماری قند از عصاره روان آن به مقدار ۳-۵۰ قطره قبل از هر غذا و همچنین جوشانده ۴۰ در هزار برگ (مدت جوشیدن ۲ دقیقه و بعد آدام کردن به مدت ۱۰ دقیقه) به مقدار چند فنجان در روز می‌توان استفاده کرد.

از پختن شیره تمشک در گرمای معتدل ، به نحوی که محلول به غلظت شربت در آید

و افزودن ۲ برابر وزن آن قند، شربت غلیظی تهیه می‌شود که مصرف مقدار ۳ تا ۴ قاشق آن برای ۳ مرتبه در روز، به‌منظور رفع اسهال کودکان مورد استفاده قرار می‌گیرد.

تمشک، میوه‌ای است بسیار مطبوع که به‌حالت خام نیز مصرف می‌گردد. از تمشک، مربا، شربت، کمپوت و غیره تهیه می‌شود.

در استعمال خارج، از دم کرده برگ تمشک و شربت میوه آن، محلولی به‌فرمول زیر جهت غرغره در آئزین‌ها تهیه می‌نمایند:

جوشانده ۱۰ درصد برگ تمشک ۸۰ گرم
شربت تمشک ۲۰ »

مخلوط جوشانده مذکور و شربت تمشک را باید به‌صورت غرغره و ۳ تا ۴ دفعه، به‌مدت چند روز بکار برد.

R. fruticosus در ایران نمی‌روید.

Rubus idaeus L. *، که آن نیز نوعی تمشک مخصوص مناطق معتدله کره زمین است، به‌مصارف درمانی می‌رسد. این گیاه ساقه‌ای به‌طول ۱ تا ۲ متر، برگهائی مرکب از ۷ برگچه و میوه‌ای قرمز رنگ و گاهی زرد دارد.

از اختصاصات آن این است که میوه آن بسهولت از کاسه جدا می‌گردد. ترکیب شیمیائی آن شبیه گیاهان قبلی است.

خواص درمانی - مصرف میوه آن برای بیماران مبتلا به‌مرض قند، مبتلایان به‌رماتیسم و یا سوء هضم، مشروط بر آنکه ایجاد تخمیراتی در دستگاه گوارش ننماید، توصیه‌گردیده‌است. ضمناً در موارد وجود التهاب اعضای داخلی بدن، تب‌های صفراوی، التهاب بیجاری ادرار، آئزین و اسکوربوت، اثر مفید ظاهر می‌نماید. به‌علاوه مدر است.

دم کرده‌گل آن اثر معرق دارد و در سرماخوردگی، تب‌های دانه‌ای، نقرس و رماتیسم می‌تواند مصرف گردد. برگ آن اثر قابض دارد و مانند گیاهان قبلی مصرف می‌شود.

بهداشت پوست صورت

میوه رسیده این گیاه در تأمین سلامت و طراوت پوست صورت تأثیر فراوان دارد. برای این کار ۱۰ عدد میوه رسیده گیاه را به‌خوبی له می‌کنند و به‌پوست صورت بمالند و مدت یک ربع ساعت نیز به‌همان حال بر روی پوست صورت باقی می‌گذارند. سپس با پنبه آغشته به‌آب باران یا آب معدنی، می‌شویند.

انواع دیگر تمشک نیز که در ایران می‌رویند، اثر تقریباً مشابه در حفاظت و تأمین بهداشت پوست صورت ظاهر می‌کنند.

صورت داروئی - دم کرده ۲ تا ۴ در هزار گل - دم کرده ۳ تا ۵ در هزار برگ جهت استفاده در استعمال خارج به‌صورت غرغره.

از شیره صاف شده آن و سایر گونه‌های دیگر، نوعی شربت با طعم مطبوع به‌نام شربت-تمشک تهیه می‌شود.



ش ۸۶ - Rubus idaeus : شاخه میوه‌دار (G. E. Zemlinski)

جوانه و برگ انواع داروئی Rubus ها (تمشک‌ها)، مخلوط با اعضای گیاهان داروئی دیگر، در تهیه محلول‌های غرغره و فرآورده‌های گیاهی مشابه به‌کار می‌روند که در اینجا به‌شرح یک نمونه از آنها مبادرت شده است (۱):

۱۰ گرم	برگ و جوانه تمشک
» ۱۰	برگ Agrimonia Eupatorium
» ۱۰	برگ Ribes nigrum
» ۳۰	ریشه ختمی
» ۱۰	برگ اوکالپتوس
» ۳۰	برگ توذریج Sisymbrium officinale
» ۳۰	برگ انگور قرمز